

نویسنده: عمران فیروز (Emran Feroz) .
منبع و تاریخ نشر: انفارمیشن کلیرنگ هوز «2018-12-22» .
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

اغماض و یا بی خبری در افغانستان ، بخشی مهمی از جنگ علیه تروریسم است

**In Afghanistan ,ignorance has become a crucial
part of the war on terror**



دور از انعکاس رسانه ها ، جنگ دوامدار علیه غیرنظامیان افغان در دست ایالات متحده و متحدان محلی آن کشور است که در نتیجه آن روزانه بیش از صدها افغان جان خود را از دست می دهند .
سه هفته پیش ، ملا عبدالمنان «اخوند» فرمانده قدرتمند طالبان در جنوب افغانستان یعنی در ولایت هلمند در اثر حمله و بمب گذاری هواپیمای بدون سرنشین امریکا کشته شد که خبر کشته شدن او را چندین روزنامه نگار و ناظران سیاسی اعم از افغان ها و خارجی ها در توییت های خود بدست نشر سپردند و مرگ او در واقعیت امر تیتربزرگ اطلاعات جمعی را از آن خود ساخت و همچنین روایت (17) ساله به اصطلاح «جنگ علیه تروریسم» را تقویه نمود که قرار است به موفقیت شاید که با نجا مد.

در همان روزی که ملا منان کشته شد، رویداد دیگری در پکتیا، یعنی در شرق افغانستان در ولایت خوست رخ داد. که دست کم «12» غیرنظامی در یک شب بالاکت حمله هوایی و حملات شبانه توسط نیروهای افغانی و آمریکایی کشته شدند. در واقع، نیروهای افغانی که درگیر در همچو حملات بوده اند - نیروی حفاظت خوست اند (KPF) که از حمایت سیا (CIA) برای کشتن و شکنجه غیرنظامیان خیلی مشهور است.

روز بعد، اعضای خانواده قربانیان عزیزان خویش را با اشتراک عموم مردم در تشییع جنازه ها دفن کردند و با برگزاری این مراسم، اعتراض خود را نیز ابراز کردند.

چنین رویدادها در افغانستان کم و کاست نیست. در حالی که جهان و به ویژه رسانه های غربی عموم مردم غرب را با اطلاع رسانی های غلط و نادرست خود در تحت تمرکز قرار میدهند - که اغلباً با همچو دروغگوهای که کابل و دیگر شهرها آرام و بدون حادثه است ذهنیت ها را آماده به پذیرش دروغهای خود میسازند، اما درحالی که مناطق روستایی کشور به عنوان اصلی ترین ساحات برای حملات وحشیانه شب، و اعتصابات هواپیماهای بدون سرنشین و دیگر عملیات نظامی تبدیل شده است.

طوری که به همه روشن است اینست که در این حملات هوایی اغلباً بیشتر غیرنظامیان کشته میشوند، مثلاً در هفته های اخیر قتل عامهای در پکتیا و در چندین ولایت کشور مثلاً در ننگرهار و در هلمند رخداد جا یکی **ملا عبدالمنان** نیز کشته شد. اما برخلاف، مرگ و میر فرمانده طالبان، تلفات غیرنظامیان اکثراً مورد توجه مقامات قرار نمیگردد. و هیچکس در مورد برخی از ستیزه جویان پرسشی بعمل نمی آورند و یا به آن توجه نمیکنند، بلکه خبر قربانیان ملکی بطور مرتب در گزارش های خبری و اظهارات خانواده های قربانیان در خارج از کشور شنیده میشود. آنها برای بسیاری فقط آسیب جانی هستند.

در واقع حملات هواپیماهای بدون سرنشین مثل آن یکی که **ملا عبدالمنان** را کشت، به ندرت رهبران ستیزه جویان را می کشد اولین عملیات های هواپیماهای بدون سرنشین در تاریخ بشریت در ماه اکتوبر در سال (2001) در ولایت قندهار افغانستان به هدف ترور و قتل **ملا محمد عمر** موسس طالبان صورت گرفت که او از این حمله جان به سلامت برد و بعد از چند سال بمرگی طبیعی درگذشت و اما پروازهای ویا حملات هواپیماهای بدون سرنشین به دنبال قتل و از بین بردن او اکثر مردمان گمنام و غیر مشهور را بکام مرگ فروبرد و اما امریکایی ها تا آخرین رمق حیات **ملا محمد عمر** در رسیدن به هدف خود نا موفق ماندند.

اخیراً معلوم شده است که مولوی جلال الدین حقانی، یکی از رهبران ارشد طالبان، مرده است. و مرگ او ناشی از بیماری ویپیری بود، نه توسط یک موشک آشنای جهنمی «Hellfire». او در طول «17» سال گذشته، که همچنین به عنوان بنیانگذار شبکه به اصطلاح «شبکه حقانی» در نظر گرفته شده بود - نظر به افواحات رسانه های غربی به اصطلاح چندین بار رکشته شده بود که به ارتباط کشته شدن او چندین بار اعلامیه داده شده است.

همچنین عده ای از دیگران، مانند ایمن الظواهری، رهبر القاعده، نظر به دروغ پراگنی های غرب چندین بار توسط اعتصابات هواپیمای بدون سرنشین کشته شده اند. طبق گفته یک منبع مربوط، سازمان حقوق بشری که مرکز آن در انگلیس است گزارش داد که در طول سالهای «2002» تا «2014»، حداقل «1147» نفر در پاکستان و یمن با نشانی گرفتن و ضربه زدن به «41» اهداف از قبل تعیین شده با حملات هواپیما های بدون سرنشین کشته شده اند.

بعضی ها در اثر چندین بار حملات بر اهداف نشانی شده توسط هواپیماهای بدون سرنشین کشته شده اند و اما برخی ها مثل ایمن الظواهری تا هنوز زنده است پس در اینجا سوال خلق میشود که پس کی ها بعوض آنها در طول این سالها کشته شدند و کشته میشوند.

این نیز یکی از دلایلی است که مشکل آن است که برخی از روزنامه نگاران، تحلیلگران و سیاستمداران تصمیم گرفتند تا مرگ ملا منان را برجسته کنند، علی رغم آنکه ظاهراً در مورد تلفات غیر نظامیان که توسط حملات هواپیماهای بدون سرنشین و عملیات مشابه در گذشته صورت گرفته و تا همین اکنون نیز صورت میگیرد مورد توجه قرار نمیگردد و قرار نگرفته است و این فقط تقویت روایت نادرست هواپیما های بدون سرنشین از قتل دقیق تنها از "تروریست ها" را بخاطر ترزیک میکنند.

هفته گذشته در ولایت لوگر یک حمله دیگر توسط هواپیمای بدون سرنشین صورت گرفت که در اثر آن در حدود (24) نفر غیر نظامی ها که همه ای شان بسوی خانه های خود در حرکت بودند به اشتباه جنگویان طالبان کشته شدند که این خود یک خبر عاجل بود اما آیا به ارتباط این رخداد غیر مسولانه کسی را برای عدالت خواهی به پنجه ای قانون سپردند؟ که البته نسپردند این مطلب را یکی از اقارب جان باختن گفت.

طبق گفته های اخیر نظامیان ایالات متحده، بیش از «5000» بمب در سال «2018» در افغانستان پرتاب شده است. این یک رکورد «رقم بالایی» در جنگ «17» ساله است. ارقام ناشی از بمب گذاری ها طی سالهای «2001» تا «2003» در دسترس نیست. افزون بر آن، این نیز شناخته شده است که شما رویا تعداد ارتش ناقص و مشکل ساز است. چنانچه سال گذشته، تحقیقات نظامی تایمز نشان داد که اطلاعات نظامی آمریکا

از عراق، سوریه و افغانستان به طور واقعی اشتباه و یا نادرست است. رسانه های خلیج فارس گزارش دادند: که "ارتش آمریکا موفق به کشف هزاران نفری که ناشی از حملات هوایی مرگبار در طی چندین سال گذشته شده اند نشده است."

بطور خلاصه میتوان گفت که بسیار زیاد بمب ها پرتاب شده است ولی آنها نمیخواهند تعداد آن بمب های پرتاب شده را بما بگویند.

در حالی که واقعاً افغانستان بیش از هر زمان دیگر بیشتر بمباران شده است موضوع انکارناپذیر است و از سوی هم که طالبان - بزرگترین گروه شورشی در افغانستان هستند کنترل قلمرو بیشتری از خاک کشور را نسبت به سال (2001) در دست دارند. علاوه بر این، داعش، همچنین به عنوان دولت اسلامی ولایت خراسان (ISKP) شناخته شده است، و قادر به انجام حمله وحشیانه ای در وسط شهرهای بزرگ مانند کابل است.

نامید کننده است، و آن اینکه بسیاری از مردم از خود می پرسند: که در عقب پرتاب این بمب های جهنمی کی ها هستند؟

پاسخ ساده است: قطعاً ستیزه جویان نیستند، زیرا که افراد نامعلوم و ناشناخته شده و غیر سرشناس بگونه مرتب که کشته می شوند، غیرنظامی ها هستند، و قتل عام این افراد موجب مخالفت های فراوانی شده است. تا جاییکه، ستیزه جویی و افراط گرایی در منطقه افزایش قابل ملاحظه یافته است.

همانطور که در بسیاری از نقاط دیگر زمین، جنگ آمریکا با ترور ناموفق بوده در افغانستان نیز شکست خورده است. و چیزی که دلچسپ است اینست که حداقل برخی از سیاستگذاران و ناظران آمریکایی این واقعیت را درک کرده اند، ولی متفقین افغان آنها در کابل و حامیان آنها ظاهراً چنین نمی اندیشند. و طی چند سال گذشته، جنایات جنگی که توسط نیروهای افغان انجام شده، اکنون این جنایات به طور قابل توجهی افزایش یافته است.

در همین لحظه، ارتش ملی افغانستان و شبه نظامیان وحشیانه آن مانند نیروی حفاظت خوست «KPF» تحت حمایت از سوی سازمان «سیا» که از سلاح های آمریکایی نسبت به آمریکا بی استفاده بیشتری کنند، چنانچه که برای من یک تخنیکر یا کسی که بخشی از پروازهای هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا را در افغانستان برنامه ریزی میکرد گفت که بعد از ماه آوریل گذشته نیروهای افغان یک مدرسه دینی را در شمال افغانستان یعنی در ولایت کندوز بمباران کردند. که حداقل «36» غیرنظامی، و بیشتر همه ای شان کودکان بودند، که پس از آن بمب گذاری ها کشته شدند، در حالی

که دولت کابل خبر جعلی را منتشر کرد و ادعا کرد که نیروهای دولتی بالای یک جلسه طالبان را که در داخل مدرسه برگزار شده بود یورش برده اند

پس از اینکه سازمان ملل متحد تلفات غیرنظامیان را تایید کرد، « اشرف غنی»، رئیس جمهور افغانستان، به طور عمومی از همه مردم عذر خواهی کرد. ولی از آن زمان به بعد، دولت او هیچ کاری را برای جلوگیری از تلفات غیرنظامیان انجام نداده است، بلکه همچنان به ایجاد و رشد آن نیروها بیشتر کمک می کند.

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله :

«**عمران فیروز**» یک روزنامه نگار مستقل، نویسنده و بنیانگذار خاطرات درون (هوایپماهای بدون سر نشین)، یک یادبود کننده مجازی برای قربانیان اعتصاب ویا حملات هوایپماهای بدون سر نشین است. کار او با "نیویورک تایمز"، " الجزیره"، "آتلانتیک"، " هندو"، و چندین رسانه دیگر است او همچنین به طور منظم به روزنامه ها و مجلات آلمانی زبان به مقاله نویسی می پردازد.

این مقاله ابتدا توسط "TRT World" منتشر شده است. -

-----**با تقدیم سلامها «2019-01-05»**

